



درباره سیاست

باز تایپ از روی آثار منتخب مائوتسه دون

تایپ کننده: فرهاد گلستانی

۲۰۰۶

درباره سیاست

در برابر موج ضد کمونیستی که اینک برخاسته است سیاست ما اهمیتی قاطع کسب می کند. ولی بسیاری از کادرهای ما هنوز در نیافته اند که سیاست حزب در دوره کنونی باید با سیاست وی در دوره انقلاب ارضی تفاوت بسیار داشته باشد. باید این نکته را دریافت که در تمام دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی، در هر شرایطی که پیش آید، حزب ما سیاست خود را در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عوض نخواهد کرد؛ و بسیاری از سیاستهایی که در دوران ده ساله انقلاب ارضی به کار رفت نمی تواند در لحظه کنونی به همان صورت از سر گرفته شود. به ویژه امروز در دوره مقاومت ضد ژاپنی نمی توان هیچ یک از سیاستهای چپ روانه افراطی متعددی را که در دوره اخیر انقلاب ارضی اتخاذ شد عملی ساخت؛ سیاستهای مذکور در همان دوره هم اشتباه آمیز بود، زیرا که از عدم درک این دو خصوصیت اساسی انقلاب چین ناشی می شد: یکی اینکه انقلاب چین بورژوا دمکراتیک است در کشور نیمه مستعمره و دیگر اینکه انقلاب چین انقلابی متمادی است. مثلا در آن موقع چنین تصور می شد که پنجمین عملیات «محاصره و سرکوب» و مبارزه ما علیه آن نبردی است قطعی بین دو راه: راه انقلاب و راه ضد انقلاب؛ در آن موقع از بین بردن اقتصادی بورژوازی (سیاست کار و سیاست مالی چپ روانه افراطی) و دهقانان مرفه (واگذاری زمینهای بد به آنها) و از بین بردن جسمانی مالکان ارضی (امتناع از واگذاری زمین به آنها) صورت می گرفت؛ نسبت به روشنفکران اعمال فشار می شد؛ در مورد سرکوب ضد انقلابیون انحراف «چپ» وجود داشت؛ کمونیستها ارگانهای قدرت را کاملا در انحصار خود داشتند؛

کمونیسم هدف آموزش همگانی قرار گرفت؛ سیاست نظامی چپ روانه افراطی (حمله بر شهرهای بزرگ و نفی جنگ پارتیزانی) و در کار مناطق سفید، سیاست پوچیستی اجرا می گردید و در داخل حزب در مجازاتهای انضباطی زیاده روی می شد و غیره. این سیاست های چپ روانه افراطی، مظهري از اپورتونیسیم «چپ» بود، نقطه مقابل اپورتونیسیم راست چپ دو سیو بود که در دوره اخیر جنگ اول انقلابی به ظهور رسید. در دوره مذکور فقط وحدت بود و مبارزه نبود و حال آنکه در دوره اخیر انقلاب ارضی فقط مبارزه بود و وحدت نبود (به استثنای وحدت با توده های اصلی دهقانان)، اینها بارزترین نمونه دو سیاست افراطی است و هر کدام از آنها به حزب و انقلاب زیان بزرگی رسانید.

امروزه سیاست ما در مورد جبهه متحد ملی ضد ژاپنی عبارت نیست از وحدت به تنهایی و اعراض از مبارزه، و نیز عبارت نیست از مبارزه به تنهایی و اعراض از وحدت، بلکه وحدت و مبارزه را با هم ترکیب می کند و بطور مشخص عبارت است از:

1- اتحاد تمام مردم که هوادار مقاومت در برابر ژاپن اند (یعنی کلیه کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران و صاحبان صنایع و بازرگانی که هوادار مقاومت علیه ژاپن اند) در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی.

2- کاربرد سیاست استقلال و عدم وابستگی در درون جبهه متحد، استقلال همانقدر ضروری است که وحدت.

3- در زمینه استراتژی نظامی، مبادرت مستقلانه و مبتکرانه به جنگ پارتیزانی در دایره استراتژی واحد؛ جنگ پارتیزانی اساسی است ولی در شرایط مساعد از جنگ متحرک نباید صرف نظر کرد.

4- در مبارزه با سرسختان ضد کمونیست، بهره برداری از تضادها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، درهم شکستن یکایک دشمنان؛ حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن.

ما باید سیاست انقلابی دوگانه ای بکار ببریم. به عبارت دیگر تا آنجا که هوادار ژاپن اند ما با آنها مبارزه می کنیم و آنها را منفرد می گردانیم، اما هر موقع که مردم می شوند در تحیب و جلب آنها می کوشیم. ما میان این اشخاص که خصلت دوگانه دارند و خائنان سرسخت از نوع وان جین وی، وان ای تان (1) و شی یو سان (2) فرق می گذاریم.

9- همچنان که می باید میان مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار ژاپن که مخالف مقاومت اند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ هوادار انگلستان و آمریکا که موافق مقاومت اند فرق گذاشت، باید مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ را که خصلت دوگانه دارند یعنی هوادار مقاومت اند ولی مرددند، هوادار وحدت اند ولی با حزب کمونیست به مبارزه برمی خیزند از یک طرف و بورژوازی ملی، مالکان ارضی متوسط و کوچک و متنفذین روشن بین را که دوگانگی شان کمتر است از طرف دیگر از هم تمیز داد. سیاست ما بر روی این تفاوتها ساخته می شود. سیاست متنوع ما که اینک تشریح شد از آن تفاوت هایی سرچشمه می گیرد که در مناسبات طبقاتی وجود دارد.

10- سیاست ما نسبت به امپریالیستها نیز بدین منوال است. اگر چه حزب کمونیست با همه امپریالیستها مبارزه می کند، معذک باید بین امپریالیستهای ژاپن که به تهاجم به چین دست زده اند و سایر امپریالیستها که فعلا به تهاجم بر کشور ما دست نزده اند فرق گذاشت؛ به علاوه باید بین امپریالیستهای آلمان و ایتالیا که متحد شده و « منچور گوه » را به رسمیت شناخته اند و امپریالیستهای انگلستان و آمریکا که به مخالفت با ژاپن برخاسته اند فرق گذاشت؛ همچنین باید بین انگلستان و آمریکا در دوره ای که سیاست مونیخ خاور دور را عملی می ساختند و به امر مقاومت ما بر ضد ژاپن صدمه می زدند و انگلستان و آمریکای امروز که از سیاست مذکور روی گردانده و به مقاومت ما بر ضد ژاپن روی خوش نشان می

5- سیاست ما در مناطق تحت اشغال دشمن و تحت سلطه گومیندان عبارتست از گسترش حداکثر جبهه متحد از یک طرف و مخفی کاری و فشرده گی از طرف دیگر، یعنی از لحاظ شکل سازمانی و مبارزاتی سیاست ما باید مبتنی باشد بر مخفی کاری و فشرده گی، کار طولانی در حالت مخفی، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب.

6- در مناسبات با طبقات مختلف کشور، سیاست اساسی ما عبارت است از توسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای بینابینی و منفرد ساختن نیروهای سرسختان ضد کمونیست.

7- در مورد سرسختان ضد کمونیست باید سیاست انقلابی دو گانه بکار برد: متحد شدن با آنها تا آنجا که حاضر به مقاومت در برابر ژاپن اند، منفرد ساختن آنها در هر موقع که در مبارزه با حزب کمونیست لجاجت می ورزند. نظر به اینکه مقاومت آنها در برابر ژاپن دارای خصلت دو گانه است، سیاست ما عبارت است از اتحاد با آنها تا آنجا که علیه ژاپن مقاومت می کنند، و مبارزه با آنها و منفرد ساختن آنها در هر موقع که تزلزل نشان می دهند (مثلا آنگاه که با تجاوزکاران ژاپنی سر و سر پیدا می کنند و با وان جین وی و سایر خائنان به ملت به مبارزه جدی نمی پردازند). این دوگانگی در مبارزه آنها با حزب کمونیست نیز به ظهور می رسد بطوری که سیاست ما نیز در مورد آنها دو جنبه دارد: متحد شدن با آنها تا آنجا که در صدد گسستن قطعی همکاری گومیندان و حزب کمونیست بر نیامده اند، مبارزه با آنها و منفرد ساختن آنها در هر موقعی که به سیاست سرکوبی دست می زنند و به حملات مسلحانه بر ضد حزب ما و بر ضد خلق می پردازند. ما میان این اشخاص که خصلت دو گانه دارند از یک سو و خائنان به ملت و عناصر هوادار ژاپن از سوی دیگر فرق می گذاریم.

8- حتی در میان خائنان به ملت و عناصر هوادار ژاپن نیز عناصری می توان یافت که خصلت دوگانه دارند، در مورد آنها نیز

جدی نمی گیرند؛ از طرف دیگر عده کثیری از کادرها سیاست گسترش جبهه متحد را عملی نمی سازند زیرا که آنها به سادگی گومیندان را سر تا پا سیاه تصور می کنند و به این طریق عاطل و باطل مانده اند. نظیر همین پدیده ها در نواحی تحت اشغال ژاپن نیز دیده می شود.

در مناطق تحت سلطه گومیندان و در پایگاههای ضد ژاپنی، نظرات راست سابقاً بطور جدی موجود بود و هم اکنون بطور عمده از بین رفته است؛ کسانی که دارای چنین نظریاتی بودند، فقط در پی وحدت بودند و مبارزه را از یاد می بردند و تمایلات گومیندان را به مقاومت ضد ژاپنی بیش از اندازه ارزیابی می کردند و به این طریق فرق اصولی میان گومیندان و حزب کمونیست را می زدودند؛ آنها بجای اینکه نیروهای انقلابی ضد ژاپنی را جسورانه گسترش دهند و با سیاست گومیندان در مبارزه با حزب کمونیست و تحدید حزب کمونیست به مبارزه قاطع برخیزند، از سیاست مستقل و عدم وابسته در جبهه متحد دست می کشیدند، نسبت به مالکان ارضی بزرگ، بورژوازی بزرگ و گومیندان روش مماشات در پیش می گرفتند و دست و پای خود را به این طریق می بستند. ولی از زمستان 1939 در اثر « اصطکاکات » ضد کمونیستی که به وسیله گومیندان برانگیخته شد و در اثر مبارزه دفاع از خود که از طرف ما صورت گرفت در همه جا یک گرایش « چپ » به ظهور رسید. اگر چه این گرایش تا حدی اصلاح شده ولی کاملاً از بین نرفته است و در سیاستهای مشخص متعددی در بسیاری از جاها به چشم می خورد. از این جهت اینک کاملاً لازم است که سیاستهای مشخص را بررسی و تعیین کنیم.

از آنجا که قبلاً کمیته مرکزی درباره سیاستهای مشخص متوالیاً رهنمودهای متعددی داده است، ما آنها را فقط در چند نکته خلاصه می کنیم.

دهند فرق گذاشت. اصول تاکتیکی ما همچنان عبارتند از بهره برداری از تضادها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، درهم شکستن یکایک دشمنان. سیاست خارجی ما با سیاست خارجی گومیندان فرق دارد. گومیندان می گوید: « فقط یک دشمن در مقابل ماست و سایرین دوستان ما هستند »؛ ظاهراً گومیندان همه کشورها غیر از ژاپن را در یک عرض قرار می دهد ولی در واقع هوادار انگلستان و آمریکا است. اما ما باید تفاوتی قائل شویم: اولاً بین اتحاد شوروی و کشورهای سرمایه داری ثانیاً بین انگلستان و آمریکا از یک سو و آلمان و ایتالیا از سوی دیگر، ثالثاً بین خلق های انگلستان و آمریکا از یک سو و دول امپریالیستی این دو کشور از سوی دیگر، رابعاً بین سیاست انگلستان و آمریکا در دوره مونیخ خاور دور و سیاست کنونی آنها. سیاست ما بر روی این تفاوتها ساخته می شود. رهنمود اساسی ما بر خلاف گومیندان عبارت از آنست که جنگ را مستقلاً به پیش ببریم و به نیروی خود اتکا کنیم و تحت این اصل از کمک خارجی تا حدی که میسر است استفاده کنیم نه اینکه مانند گومیندان از این اصل روی برتابیم و به کمک خارجی تکیه کنیم و یا به سایه فلان گروه بندی امپریالیستی پناه ببریم.

برای آنکه نظریات یک جانبه بسیاری از کادرهای حزب در موضوع تاکتیک اصلاح گردد و از کجروی به چپ یا به راست که نتیجه نظریات یک جانبه است احتراز شود باید تغییرات و تکامل سیاست حزب را در گذشته و حال در کلیه جوانب و در مجموع خود به آنها فهماند. در حال حاضر گرایش عمده خطرناک در حزب ما همچنان نظریات چپ روانه افراطی است که فتنه به پا می کند. در مناطق تحت سلطه گومیندان، بسیاری از کادرها سیاست مبنی بر مخفی کاری و فشرده گی، کار طولانی در حالت مخفی، جمع آوری نیرو و انتظار فرصت مناسب را چنانکه باید اجرا نمی کنند، زیرا آنها سیاست ضد کمونیستی گومیندان را به اندازه کافی

نباید سطح زندگی و دستمزد کارگران را زیاده از اندازه بالا برد، چنین اقداماتی ممکن است اعتراضاتی را از جانب دهقانان برانگیزد، در بین کارگران موجب پیدایش بیکاری شود و از تولید بکاهد.

درباره سیاست ارضی. باید به اعضای حزب و به دهقانان توضیح داد که موقع انقلاب ارضی ریشه ای فرانسویده و اقداماتی که سابقاً در دوره انقلاب ارضی به عمل می آمد امروز دیگر به عمل آمدنی نیستند. از یک طرف سیاست کنونی ما باید مقرر دارد که مالکان ارضی بهره مالکانه و نرخ سود را تقلیل خواهند داد. فقط در این صورت می توان شور و شوق توده های اصلی دهقانان را در مقاومت ضد ژاپنی برانگیخت، ولی تقلیل مذکور نباید بیش از اندازه باشد. بطور کلی بهره مالکانه باید 25 درصد تقلیل یابد و در آنجا که توده ها خواستار تقلیل بیشتری باشند دهقان می تواند 60 الی 70 درصد محصول را برای خود نگه دارد نه بیشتر. نرخ ربح نباید بیش از حدی که مناسبات اعتباراتی اقتصاد جامعه اجازه می دهد تنزل یابد. از طرف دیگر سیاست ما باید مقرر دارد که دهقانان بهره مالکانه و ربح قرضه را بپردازند و مالکان ارضی بر روی زمین و اموال خویش حق مالکیت را حفظ کنند. نرخ ربح نباید چندان تنزل کند که دهقانان از امکان وام گرفتن محروم شوند و تصفیه حسابهای سابق نباید طوری باشد که دهقانان زمینهایی را که نزد مالکان ارضی گرو گذاشته اند بدون پرداخت بازستانند.

درباره سیاست مالیاتی. مبلغ مالیات باید بر حسب درآمد معین شود. به استثنای تهیدست ترین مردم که باید آنها را از مالیات معاف داشت کلیه کسانی که درآمدی دارند، یعنی بیش از 80 درصد اهالی و از آن جمله کارگران و دهقانان، باید مالیات به دولت بدهند، بار مالیاتی نباید فقط بر دوش مالکان ارضی و سرمایه داران باشد. این شیوه که اشخاص را بازداشت کنند و از آنها برای مخارج ارتش جریمه بگیرند باید قذغن شود. برای وصول مالیات، تا وقتی که ما

درباره ترکیب ارگانهای قدرت. باید سیستم «سه تلت» را قطعاً عملی ساخت، به موجب این سیستم کمونیستها فقط یک تلت از ترکیب ارگانهای قدرت را اشغال خواهند کرد و عده کثیری از غیرکمونیستها به شرکت در آنها جلب خواهند شد. در جیان سوی شمالی و در نقاط دیگری که ما تازه به استقرار قدرت دمکراتیک ضد ژاپنی دست زده ایم نسبت کمونیستها حتی ممکن است از یک تلت هم کمتر باشد. خواه در ارگانهای دولتی و خواه در ارگانهای نمایندگی خلق باید نمایندگان خرده بورژوازی، بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین را که ضد کمونیست فعال نیستند وارد کرد؛ اعضای گومیندان را هم که علیه حزب کمونیست قد علم نمی کنند، باید در این ارگانها پذیرفت. عده قلیلی از عناصر راست را هم می توان در ارگانهای نمایندگی خلق وارد کرد. در هیچ حالی حزب ما نباید همه چیز را در انحصار خود گیرد. اگر ما دیکتاتوری بورژوازی بزرگ کمپرادور و طبقه مالکان ارضی بزرگ را سرنگون می سازیم برای آن نیست که دیکتاتوری حزب واحد - حزب کمونیست را بجای آن بنشانیم.

درباره سیاست کار. فقط با بهبود شرایط زندگی کارگران می توان شور و شوق آنها را در مقاومت ضد ژاپنی بالا برد. معذک باید از افراط های چپ روانه احتراز جست و افزایش دستمزد و کاهش روزکار نباید از حد بگذرد. امروزه در چین هنوز مشکل است که بتوان در همه جا روز هشت ساعته کار را برقرار ساخت و در برخی از رشته های تولید باید باز هم روز ده ساعته کار را مجاز شمرد. در سایر رشته های تولید باید مدت روز کار را بر حسب شرایط معین کرد. وقتی که بین کار و سرمایه قراردادی منعقد می شود، کارگران باید انضباط کار را مراعات کنند و به سرمایه داران امکان داده شود تا حدی سود به دست آورند. در غیر این صورت کارخانه ها بسته خواهند شد و این امر به مقاومت ضد ژاپنی و به خود کارگران صدمه خواهد رساند. به ویژه در روستا

حزب بیوندند. مأموران عادی دوائر اطلاعات گومیندان را نباید با جاسوسان ژاپنی و خائنان به ملت در یک عرض قرار داد، باید بین آنها فرق گذاشت و با آنها رفتاری متفاوت داشت. باید به این وضع مغشوش که هر اداره ای و هر سازمانی می تواند اشخاص را بازداشت کند خاتمه داد؛ باید به منظور استقرار نظم انقلابی به سود مقاومت ضد ژاپنی مقرر داشت که به استثنای واحدهای ارتش که در جریان عملیات اند فقط مقامات قضائی و مقامات امنیت عمومی دولت حق بازداشت دارند.

درباره حقوق خلق. باید مقرر کرد که همه مالکان ارضی و همه سرمایه دارانی که با جنگ مقاومت ضد ژاپنی به مخالفت بر نمی خیزند مانند کارگران و دهقانان از حقوق شخصی، از حق مالکیت، از حق رأی، از آزادی کلام، آزادی اجتماعات، آزادی اتحادیه ها، آزادی عقیده و ایمان برخوردارند. ارگانهای دولتی فقط بر ضد کسانی به اتخاذ تصمیم دست می زنند که در پایگاههای ما به خرابکاری و یا شورش انگیزی بپردازند، سایرین تحت حمایت ارگانهای دولتی خواهند بود و مداخله در کار آنها روا نیست.

درباره سیاست اقتصادی. ما باید صنعت، کشاورزی و گردش کالاها را فعالانه گسترش دهیم. باید سرمایه داران را تشویق کنیم که در صورت تمایل به مناطق پایگاهی ضد ژاپنی بیایند و در آنجا مؤسساتی دایر کنند. باید بنگاههای خصوصی را تشویق کنیم و بنگاههای دولتی را فقط بخشی از مجموع مؤسسات بدانیم. منظور از این اقدامات تأمین نیازمندیهای ما با منابع خودمان است. باید از وارد آوردن لطمه بر هر بنگاه مفیدی اجتناب ورزید. سیاست گمرکی و سیاست پولی باید با سیاست اساسی ما که گسترش کشاورزی، صنعت و تجارت است بخواند و با آن برخورد نکند. اقتصاد را در سرزمین پایگاهها جداً و دقیقاً و با احتراز از هر گونه بی مبالائی سازمان دادن، تا نیازمندیهای ما با منابع خودمان تأمین شود - این است شرط اساسی بقاء طولانی پایگاهها.

هنوز سیستم جدیدی که مناسب تر باشد وضع نکرده ایم می توان به اجرای سیستم گومیندان ادامه داد و آن را بر حسب لزوم بهبود بخشید.

درباره سیاست امحاء عمال دشمن. باید خائنان به ملت و عناصر ضد کمونیست سرسخت را مصممانه سرکوب کرد در غیر این صورت نمی توان از نیروهای انقلابی ضد ژاپنی دفاع کرد. معذک نباید زیاد اعدام نمود و در هیچ حالتی نباید بی گناهان را شریک جرم دانست. در مورد مرتجعان باید نسبت به عناصر متزلزل و شرکای اجباری روش جوانمردانه ای در پیش گرفت. اعمال شکنجه نسبت به مجرمان، هر کس که باشد، باید اکیداً ممنوع گردد، باید تکیه را روی مدارک و شواهد گذاشت و زیاد به اظهارات شفاهی اطمینان نکرد. سیاست ما نسبت به اسیران، خواه از ارتش ژاپن باشند، خواه از سپاهیان پوشالی و یا ضد کمونیست، عبارت است از رها کردن آنان، مگر آنهایی که مورد کینه سخت خلق اند و پس از تأیید حکم از طرف مقامات بالا مسلماً باید اعدام شوند. ما باید اسیرانی را که به زور به سربازی برده شده اند و روحیه کم و بیش انقلابی دارند به تعداد زیادی برای خدمت به ارتش ما جلب کنیم و سایرین را باید آزاد ساخت؛ و اگر با ما جنگیدند و دوباره اسیر شدند باید دوباره آزاد ساخت؛ نباید با آنها بد رفتاری کرد، نباید پول و اشیاء خصوصی آنها را مصادره نمود، نباید آنها را وادار به اعتراف کرد، بلکه باید در همه حال با آنها رفتاری صدیقانه و مهربانانه داشت. این سیاست باید در مورد کلیه اسیران، هر قدر هم که مرتجع باشند، بکار برده شود. این سیاست در منفرد ساختن اردوی ارتجاع بسیار مؤثر است. به خائنین، مشروط بر اینکه از فعالیت ضد کمونیستی دست برداشته باشند، باید امکان داد که خود را اصلاح کنند، به استثنای آنهایی که مرتکب جنایات فاحشی شده اند؛ اگر خائنین بخواهند به راه انقلاب بازگردند می توان آنها را پذیرفت ولی نباید اجازه داد که دوباره به

عضو گومیندان و خواه بی حزب باشند، به ارتش هشتم و چهارم جدید وارد کنیم. این وضع که کمونیستها همه جا در ارتش ما از حیث تعداد غلبه دارند نیز باید عوض شود. البته سخن بر سر آن نیست که سیستم «سه ثلث» را در واحدهای عمده ارتش خودمان برقرار کنیم، اما تا وقتی که حزب ما رهبری ارتش را در دست دارد (و این شرط ضروری و نقض ناپذیر است) نباید از جلب تعداد کثیری از هواداران به شرکت در ساختمان ارتش در زمینه های فنی و نظامی بهر اسیم. در وضع کنونی که حزب ما و ارتش ما توانسته اند بنیاد ایدئولوژیک و سازمانی استواری داشته باشند جلب تعداد کثیری از هواداران (و البته به هیچ وجه نه خرابکاران) متضمن خطری نیست و حتی سیاستی لازم است که بدون آن نمی توان علاقه قاطبه ملت را جلب کرد و نیروهای انقلابی را گسترش داد.

سراسر حزب باید این اصول تاکتیک ما در جبهه متحد و همچنین سیاستهای مشخص ناشی از آنها را مصممانه بموقع اجرا بگذارد. در این هنگام که تجاوزکاران ژاپنی تجاوز خود را بر علیه چین شدت می دهند و مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ در داخل کشور به اجرای سیاست سرکوبی و حملات نظامی بر حزب کمونیست و بر خلق مشغول اند، فقط بکار بردن اصول تاکتیک و سیاستهای مشخص که در بالا تشریح شد ما را به پایداری در جنگ مقاومت ضد ژاپنی، به گسترش جبهه متحد، به جلب علاقه قاطبه خلق و به ایجاد تحول مساعدی در اوضاع فعلی قادر می گرداند. معذک در عین حال که به رفع اشتباهات می پردازیم، باید قدم به قدم عمل کنیم، از شتابزدگی که ممکن است موجب برانگیختن ناخشنودی در بین کادرها، پیدایش بدگمانی در توده ها و باعث تعرض متقابل مالکان ارضی و یا واکنش های منفی دیگر گردد پرهیزیم.

درباره سیاست فرهنگ و آموزش. باید توجه خود را بر روی ارتقاء سطح معلومات و فن که برای مقاومت ضد ژاپنی ضروری است و بر روی ترویج آنها و همچنین بر روی پرورش غرور ملی در میان توده های خلق متمرکز ساخت. باید به عناصر بورژوازی لیبرال از بین معلمان، فرهنگیان، روزنامه نگاران، دانشمندان، مهندسان و تکنسین ها اجازه دهیم که به پایگاههای ما بیایند و با ما در اداره مدارس، انتشار روزنامه ها و سایر امور همکاری کنند. باید روشنفکرانی را که در کار مقاومت ضد ژاپنی نسبتاً فعال اند به بنگاههای آموزشی خودمان جلب کنیم، دوره کوتاهی برای پرورش آنها بگذاریم و سپس آنها را برای کار در ارتش، در ارگانهای دولتی و کار اجتماعی بفرستیم؛ باید آنها را بی باکانه به صفوف خود جلب کنیم، مورد استفاده قرار دهیم و بالا بکشیم. نباید از بیم رخنه عناصر مرتجع به دور خود تار بتنییم. ناگزیر عده ای از این عناصر به صفوف ما رخنه خواهند کرد ولی ما پیوسته فرصت خواهیم داشت که آنها را در جریان آموزش و کار کنار بگذاریم. باید در هر پایگاهی به ایجاد چاپخانه، به نشر کتب و روزنامه ها پردازیم، دوائر توزیع و تحویل مطبوعات را سازمان دهیم. باید از تمام امکانات استفاده کنیم تا در کلیه پایگاهها مدارس بزرگ کار دائر شود، هر چه این مدارس بزرگتر و متعددتر باشد بهتر است.

درباره سیاست نظامی. باید ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را به حداکثر توسعه داد زیرا که این ارتش ها مطمئن ترین نیروهای مسلحی هستند که خلق چین برای ادامه جنگ مقاومت ملی در اختیار دارد. سیاست ما نسبت به ارتشهای گومیندان مانند سابق عبارت از این است که تا زمانی که دیگران به ما حمله نکنند، ما به دیگران حمله نمی کنیم. باید بکوشیم که با آنها مناسبات دوستانه برقرار کنیم. به منظور تقویت سازمان ارتش ما از لحاظ نظامی، باید تا هر اندازه که ممکن است، افسران هوادار خود را، خواه

یادداشت ها

1- وان ای تان بوروکرات عالی رتبه روزگار دیکتاتورهای نظامی شمال و از خائنان هوادار ژاپن بود. پس از حوادث 1935 در چین شمالی چانکایشک او را به خدمت خود گرفت. وان ای تان که دست آموز تجاوزکاران ژاپنی بود در 1938 به ریاست « شورای سیاسی چین شمالی » که ارگانی پوشالی به شمار می رفت منصوب شد.

2- شی یو سان یکی از خیانت کارترین دیکتاتورهای نظامی گومیندان بود. پس از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی، آنگاه که وی فرمانده کل دهمین گروه ارتش های گومیندان بود با سپاهیان ژاپن در جنوب حه به تبانی کرده و همواره به حمله بر ارتش هشتم ، به برهم زدن ارگانهای قدرت دمکراتیک ضد ژاپنی و به قتل عام کمونیست ها و افراد مترقی می پرداخت.



آدرس ما: www.sholajawid.org

تماس با ما: Sholajawid2@hotmail.com